

(۵۵۰م) دستور ساخت آن را داد، اما برخی نظر عبدالله ابن مقفع را که به استناد متن *خدای نامک پهلوی*، این بنا را به شاپور اول ساسانی نسبت داده، و حمزه اصفهانی آن را نقل کرده است، صحیح می‌دانند (شپرد، ۱۰۶۲؛ زاره، II/76؛ گیرشمن، ۱۳۶). افزون بر این، به سبب وجود همانندیهای نقشه و شیوه ساخت ایوان مداین با کاخ پارتی آشور، عده‌ای از محققان بنای آن را در دوره مقدم ساسانی دانسته‌اند (شپرد، ۱۰۶۳؛ هرمان، ۱۲۸).

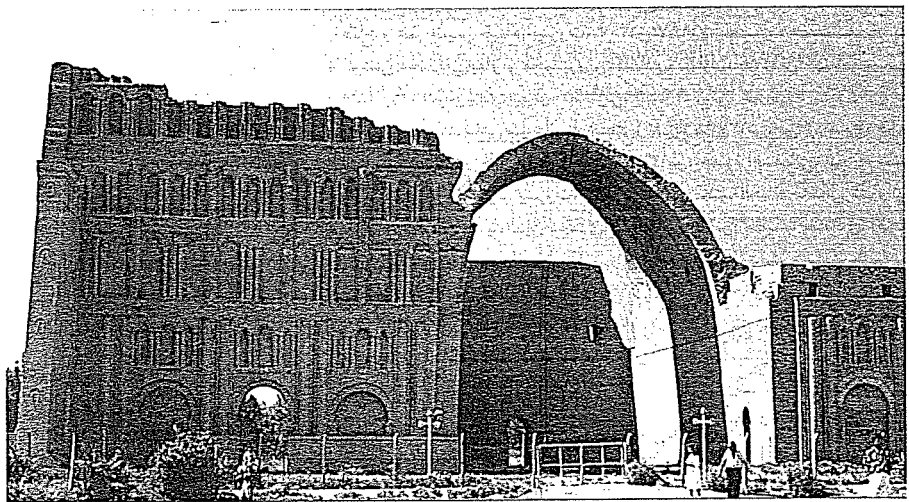
رویت براساس داده‌های کاوشهای انجام شده و مطالعات تطبیقی بر آن است که پاره‌ای از عناصر تزئینی ایوان انتساب آن را به سده ۶م محقق می‌سازد (ص ۵۱۶-۵۱۵). به نظر هوف، طاق کسری به احتمال بسیار در زمان خسرو اول ساخته شده است (ص ۱۸۶). وجود بنای دیگری به نام کاخ سفید (قصرایض) در مداین که محل آن به اختلاف در متون تاریخی ذکر شده، در گوناگونی نظر محققان برای تاریخ‌گذاری کاخ کسری بی‌تأثیر نبوده است. کریستن‌سن کاخ سفید در تیسفون را مقر شاپور دوم ذکر کرده است که به دستور خود او ساخته شد (ص ۳۹۰-۳۸۹). طبری می‌نویسد: «زمانی که اعراب در بهر سیر خیمه زدند، کاخ سفید در منظرشان هویدا گردید» و می‌افزاید که سعدبن ابی وقاص در کاخ سفید منزل کرد، ولی نماز را در ایوان که تندیسهای گچی در آن برپا بود، به جای آورد (۴۵۵/۴، ۴۶۱-۴۶۲). یعقوبی که در قرن ۳ق کاخ سفید را دیده است، محل این کاخ را در شرق شهر عتیقه ذکر می‌کند (ص ۹۹).

این بنا به روایتی توسط دو خلیفه عباسی معتضد (۲۷۹-۲۸۹ق/ ۸۹۲-۹۰۲م) و مکفی (۲۸۹-۲۹۵ق/ ۹۰۲-۹۰۸م) تخریب، و مصالح آن برای ساختن کاخهای دارالخلافه بغداد یا عمارت «تاج» مورد استفاده قرار گرفت (هوف، همانجا؛ نیز نک: ۵ د، بغداد). در زمان تسخیر تیسفون توسط اعراب، گرچه تمامی خزاین و اموال کاخ کسری به عنوان غنایم جنگی به یغما رفت، ولی خود بنا تا سده ۲ق/ ۸م سالم ماند. منصور، دومین خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق/ ۷۵۳-۷۷۵م) با وجود مخالفت خالد برمکی — وزیر مدبرش — دستور تخریب آن را داد تا از مصالح آن برای ساختن دارالخلافه در بغداد استفاده شود (مجلس، ۵۱۵). در هر حال، اختلاف نظر و اختلاط موضوع در متون اسلامی در مورد ایوان و طاق کسری و کاخ سفید چنان چشمگیر است که

Barthold, W. W., *Sochineniya*, Moscow, 1971; Bivar, A. D. H., «The Political History of Iran Under the Arsacids», *The Cambridge History of Iran*, vol. III(1), ed. E. Yarshater, Cambridge, 1983; Christensen, A., *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen, 1936; Eilers, W., «Iran and Mesopotamia», *The Cambridge History of Iran*, vol. III(1), ed. E. Yarshater, Cambridge, 1983; Frye, R. N., «The Political History of Iran Under the Sasanians», *ibid*; Ghirshman, R., *Iran from the Earliest Times to the Islamic Conquest*, London, 1954; Gumilev, L. N., *Drevnie Tyurki*, Moscow, 1967; Herrmann, G., *The Iranian Revival*, Oxford, 1977; *Iranica; Judaica*; Kolesnikov, A. I., *Iran v nachale VII veka*, ed. N. V. Pigulevskaya, Leningrad, 1970; *id*, *Zavoevanie Irana arabami*, Moscow, 1982; Le Strange, G., *The Lands of the Eastern Caliphate*, London, 1966; Lukonin, V. G., *Kul'tura Sasanidskogo Irana*, Moscow, 1969; Movses Khorenatsi, *Istoriya Armenii*, tr. Gagik Sarkisyan, Erevan, 1990; Nöldeke, T., *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden*, Leiden, 1978; Pigulevskaya, N. V., *Araby u granits Vizantii i Irana v IV-VI v.v.*, Moscow/Leningrad, 1964; *id*, *Goroda Irana v rannem srednevekov'e*, Moscow/Leningrad, 1956; *id*, *Vizantiya i Iran na rubezhe VI i VII vekov*, Moscow/Leningrad, 1956; Procopius, *History of the Wars*, tr. H. B. Dewing, London, 1954; Strabo, *The Geography*, tr. H. L. Jones, London, 1966; Yarshater, E., *introd. The Cambridge History of Iran*, 1983, vol. III(1).

عنايت‌الله رضا

ایوان مداین (طاق کسری): مهم‌ترین بنایی که نامش همواره با نام شهر تیسفون در آمیخته، و مداین بیشترین شهرت خود را مدیون آن است، بنایی است عظیم و آجری که بقایای آن هم اینک در شمال منطقه اسبانیر یا تیسفون جدید کنار دجله و در مجاورت آرامگاه سلمان‌پاک (احتمالاً مزار سلمان فارسی) واقع شده است (العلی، ۴۲۳). در متون فارسی و عربی از طاق کسری به فراوانی یاد شده، و سرچشمه الهام بسیاری از نویسندگان و



شاعران بوده است. مورخان، جغرافی‌نویسان و پژوهشگران از این بنا با نامهایی مختلف یاد کرده‌اند: طاق کسری، ایوان کسری، ایوان مداین، طاق مداین، ایوان خسرو، بارگاه خسرو، طاق خسرو، تخت کسری، بوستان کسری (کریستن‌سن، ۳۸۴). درباره بانی و تاریخ ساخت آن اختلاف نظر وجود دارد؛ اغلب محققان، طاق، ایوان و ملحقات آن را از آثار زمان خسرو اول (انوشیروان) می‌دانند که در نوزدهمین سال پادشاهی خود

3

طاق کسری

پنم: آقای عیسی بهنام
دانشیار باستانشناسی

خوابه های باقیمانده از شهر قدیم تیسفون Ctésiphon را مرحوم ارنت
هر تسفلد در II Archâologische Reise in Euphrat - und Tigris - gebiet ,
Berlin 1920 p. 46 . sqq .

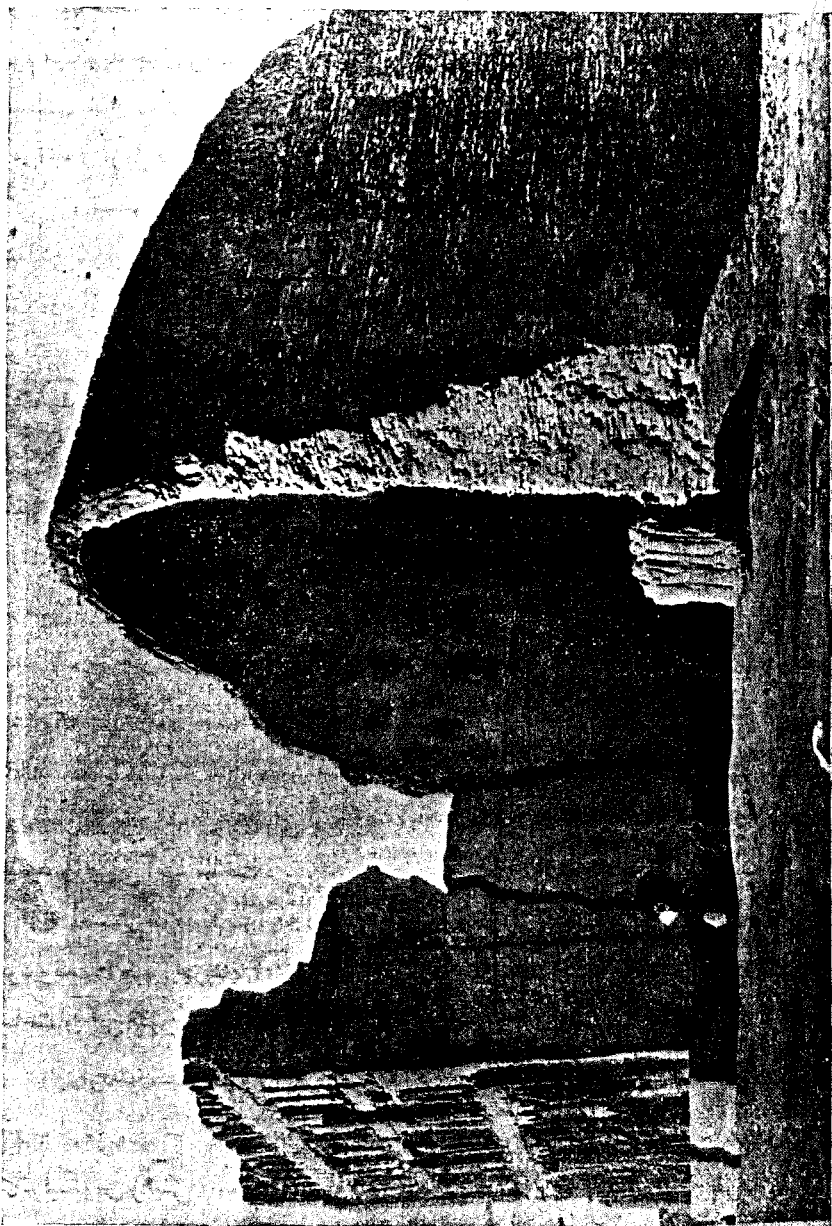
شرح داده و معرفی نموده است .

در ۱۹۲۸ بوسیله هییتی از آلمانی ها بسر پرستی O. Reuther کاوشهایی
در محل تیسفون شروع شد در ۱۹۳۰ مسیون امریکائی موزه متروپولیتن نیویورک
بسرپرستی J. M. Upton با هیئت آلمانی فوق الذکر در کاوشهای تیسفون شرکت کرد .
آرتور کریستن سن در کتاب (1936) L' Iran sous les Sassanides از صفحه
۳۷۶ تا ۳۹۰ با استفاده از نتایج کار کاوش کنندگان در تیسفون قبل از تاریخ طبع
کتاب خود خلاصه ای از اطلاعاتی را که راجع به این شهر در دست داشته انتشار داده
وما قسمتی از آن اطلاعات را در این مقاله از نظر خوانندگان میگذرانیم :

« پایتخت شاهنشاهان ایران خصوصاً در زمان خسرو اول وسعت و اعتبار یافت
و تیسفون *Tespōn* نام شهر عمده ای است که جزو مجموعه ای از چند شهر بود که بزبان
شامی *Māhōze* یا *Medhināthā* یا *Medhine* ، ماحوزه ملک یا مدیناتا یا مدینه (شهرها)
مینامیدند و اعراب آنرا به المدائن ترجمه کردند و احتمال دارد که این کلمات ترجمه
کلمه پهلوی شهرستانان *Shahrtstānān* باشد . شهرهای مهم این مجموعه ، شهر
و هاردشیر *Veh - Ardasher* (سلو قیه قدیم) و تیسفون بوده است .

« آمین میگوید پایتخت ایران غیر قابل تسخیر بود و از چندین شهر تشکیل
شده و حصار آنرا احاطه کرده بود و این حصار درهای بسیار محکمی داشت .

« تیسفون در مشرق دجله و هوه اردشیر در مغرب آن قرار داشت و جبری آن



ایوان کسری در تیسفون (کلیشه پوپ)

25 MAYIS 1996

طاق کسری

معماران ایرانی در دوران شاهنشاهی ساسانی با مصالح بسیار کم خرجی بنای عظیمی برپا کردند که هنوز خارج از کشور ما، در مکانی که چندین قرن پایتخت کشور ایران بود با وجود صدماتی که بر او وارد شده، مانند سردار سالخورده‌ای که بر سینه‌اش مدال‌های افتخار متعدد آویزان است، غوغای رقت‌باری را که بر یکی از کهن‌ترین سرزمین‌های متمدن دنیا مستولی گشته نظاره میکند.

دکتر عیسی بهنام

اشکانی، وقتی باقی‌مانده‌های یادگارهای اسکندر مقدونی بکلی از مرزهای ایران بیرون رانده شد، شهر سلوکیه بصورت نیمه ویرانه‌ای بود. شاهنشاهان اشکانی در طرف چپ رودخانه دست به ساختمان‌های جدیدی زدند و تا اواخر دوران ساسانی ایجاد این ساختمان‌ها در دو طرف رود دجله ادامه یافت، بطوری که وقتی اعراب بر ایران مستولی شدند در این مکان هفت شهر وجود داشت و بهمین سبب آنرا مداین یعنی مدینه‌ها، شهرها، نام نهادند. چهل کیلومتر پایین‌تر از تیسفون خلفای عباسی شهر بغداد را که به مفهوم بغ داد، (یعنی خداداد، زیرا بغ به زبان فارسی به معنای خداست و در زبان روسی و بعضی زبان‌های دیگر هند و اروپایی نیز همین مفهوم را دارد) است و قبلاً نیز به صورت آبادی کوچکی در آن مکان وجود داشت بنا نمودند و آنرا به‌عنوان دارالخلافه انتخاب نمودند.

پنجاه سال پیش، من در دبستان تاریخ ذکاءالملک را میخواندم و خوب بخاطر دارم که وقتی به صفحه‌ای میرسیدیم که در آن داستان تاریخی شکست والرین ذکر شده بود سرپای مرا شادی مخصوصی فرامیگرفت، ولذت بخصوصی به من دست میداد، متأسفانه به سبب علاقه فراوانی که

خاطر نشان کرده‌اند و همه از آن اطلاع کافی دارند.

خاقانی در قرن ششم هجری وقتی از مکه مراجعت میکرد از این مکان گذشت و قصیده معروفی ساخت که قرائت آن قلب هر ایرانی میهن‌دوستی را بلرزه درمی‌آورد و این قصیده با این ابیات شروع میشود:

هان ای دل عبرت بین-

از دیده نظر کن هان

ایوان مداین را

آینه عبرت دان

پس از آن در حدود ۵۰ سال پیش عشتی نمایشنامه‌ای راجع به طاق کسری نوشت و اجرا کرده که مدت‌ها روی صحنه‌های پایتخت نمایش داده میشد و شور و هیجان فوق‌العاده‌ای میان میهن‌پرستان بوجود آورده بود.

عربها تیسفون را مداین نامیدند، برای اینکه این شهر مرکب از هفت شهر بود که در یکی از آنها کاخ شاهنشاهی ایران قرار داشت که ایوان بزرگی برای «بار دادن» در روزهای «بارعام» در آن ساخته شده بود.

پیش از روی کار آمدن شاهنشاهان اشکانی سلوکی‌ها در طرف راست رود دجله شهری ساخته بودند که آنرا «سلوکیه» نام نهاده بودند. در زمان نخستین پادشاهان

طاق کسری که هنوز بر جای باقی مانده فقط قسمت بسیار کوچکی از شهر بزرگ تیسفون است که پایتخت بزرگ ایران در دوران شاهنشاهی اشکانیان و ساسانیان بوده است. وقتی اعراب بر تیسفون دست پیدا کردند، پس از اینکه پرده جواهر نشان و قالی زربفت آنرا به عنوان غنیمت قطعه قطعه کرده میان سربازان قسمت کردند به مصالح ساختمانی آن نیز چشم دوختند. نخستین خلفای عباسی پس از اینکه قطعات بزرگ سنگ مرمری را که نمای خارجی بنا را میپوشاند برای برپا کردن کاخ‌های جدیدشان از آنجا به مکان‌های دیگری انتقال دادند، دستور دادند که از آجرهای آن نیز استفاده شود، ولی پس از چندی متوجه شدند که این کار خود شامل مخارج زیادی است و از آن منصرف گردیدند.

این مطلبی نیست که من از خود بگویم، بلکه تمام نویسندگان اوایل دوران اسلامی چه از ایرانیان، چه از خود اعراب، این مطلب را بارها ذکر کرده‌اند.

این مطلب نیز گفته شده است که خلیفه چهارم، حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام در همین مکان نماز گذارده است.

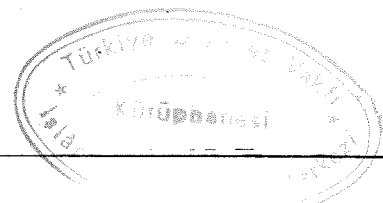
احتیاجی به این نیست که من در اینجا راجع به گفته‌های فوق مدارکی را ارائه دهم، زیرا این مطالب را بارها نویسندگان

هنر و مردم

Sene: 12

Sayı: 136-137 (1352/1973)

Tahran, s. 8-12.



AYVĀN (or **ĀQ**)-E **KESRĀ** (the Palace of Khosrow), the most famous of all Sasanian monuments and a landmark in the history of architecture, now only an imposing brick ruin. While actually belonging to the city of Asbānbar on the east bank of the Tigris below Baghdad, the Ayvān-e Kesrā (also called Ayvān-e Madā'en) is usually associated with the name of Ctesiphon, which lies immediately to the north of Asbānbar and is another of the cities which made up the multiple complex of Madā'en (Figure 1). Situated near the modern settlement of Salmān-e Pāk, the Ayvān-e Kesrā is the legendary throne hall of the Sasanian kings of kings.

Pertinent studies of the monuments include the invaluable photographic record that was published in Dieulafoy (V, sec. 6) before the floods of 1888 destroyed one third of the standing ruin (Plate XXXIII); the investigations of Herzfeld in 1907-08 from which he produced a plan based on the traces of walls above ground and the shapes of the surrounding ruins (Sarre and Herzfeld, *Archäologische Reise*, p. 61, fig. 167); the excavations of the German expedition of 1928-29 which confirmed some of Herzfeld's projections, as well as unearthing other features in the area (Reuther, *Ausgrabungen*, pp. 17ff.); and the probes, conducted in 1964 by the Italian Mission in Iraq, which were designed to prepare the ground for restoration (Bruno, "The Preservation," pp. 89ff.). In 1972 the Directorate General of Antiquities of Iraq completed the restoration of the south wing, and in 1975 work began on the reconstruction of the collapsed north wing (Madhloom, "Restorations," pp. 119ff.).

The standing monument consists of a large *ayvān* 43.50 m deep by 25.50 m wide, penetrating a blind facade that stretches 46 m in either direction from the center line of the *ayvān* and stood originally 35 m above ground level to the height of its cornice (Plate II, Plate III). The articulation of the blind facade is formed by a series of six stories of brickwork, consisting of columns, entablatures, and arched niches. The *ayvān* is roofed by a parabolic vault, with the side walls tapering from 7 m to 4 m and brought forward by slight corbelling below the impost in order to reduce the enormous width to be spanned. The true part of the vault, for which slanting lays of brick on edge were employed (permitting the construction of a vault without centering), is confined to the upper third of the structure; this arch tapers from 1.80 m at the point of the spring line to 1.30 m at the crown. The great arch dominates the layout, but the area behind the facade can be shown to be taken up by a pair of large rectangular and square chambers on either side (if one can assume symmetry of plan) which are separated from the axial *ayvān* by a vaulted corridor system (Figure 2). Access to the corridor is gained through a doorway which penetrates the facade. Behind the *ayvān*, and connected to it by a narrow door, is an arrangement of rooms which are remarkable for their comparatively small dimensions. Through a cross passage and the central chamber one can enter the large hall at the rear of the complex. It is a later addition and measures 26 m wide by 38 m deep. The great arch and its facade have aroused comments that generally have acknowledged its impressive qualities. Ebn al-Faqīh (p. 255) considered it to be one of the marvels of the world. Ābarī (III, p. 320) reports that the caliph al-Manqūr was advised by his minister Āled b. Barmak not to attempt its demolition. This advice reflects both the building's prodigious dimensions and its reputation as a monument. In spite, however, of the past and present notoriety surrounding the Ayvān-e Kesrā, including the observations of Arab geographers, the accounts of travelers, and the attention of archeologists, it is still only largely circumstantial evidence which permits investigators to propose a specific date for the building's construction. That such a

سید
OK

Gencidaris
Muhammed Taki Han Hakim
Tehran, 1366 hs.

۱۱۲ / پنج دانش

مشرق دوازده فرسخی کوه آغری داغ است که عرب جوادی و فرنگیان آرادات گویند، از فرط بلندی اوقاتی که ابر نیست آن کوه درده فرسخی مثل دو فرسخ فاصله می نماید. از اشخاص کامل معروف این شهر یکی حاجی میرزا آقاسی است که مدت ها صدارت عظمی وزارت کبری در ایران داشته در مدح آن بزرگوار گفته اند:
از قیروان بیوئی اگر تا به قیروان
روشدنلی نبینی چون پیر ایروان

ایوان کسری

از بناهای معظمه یادگار ایران است. به اقسام مختلف، اشخاص متفرق هر یک شرحی از آن نگاشته اند. از جمله در زینت المجالس مرقوم است که بنای آن تمام از گچ و سنگ است، و صحن آن سرای را صد و پنجاه گز نگاشته اند در صد و پنجاه گز مربع و در آنجا صفت بزرگی ساخته اند که به طاق کسری مشهور است و عرض صفت چهار و دوزخ و طولش هشتاد و دو ذرع و بلندیش شصت و پنج ذرع و اطرافش عمارات و سراچه های عالی بوده والی اکنون آفریده بنائی از گچ و آجر به این عظمت و استحکام نساخته است و گویا که دیده روزگار هنوز چنین بنائی به خود ندیده.

جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز
خراب می نکند بارگاه کسری را

وقتی ابو جعفر منصور خلیفه خواست بغداد را عمارتی کند، به خاطرش رسید که عمارت مداین را خراب کرده آجر آنجا را به عمارت بغداد بکار برد. به طریقی که مورخین نوشته اند، از شدت استحکام آن بنا این معنی در حیز تعویق بماند، از مخارج زیاد و پدشرفت کم دست گشیدند و نیز چون عمارت بغداد را به تمام رسانیدند، هشت دروازه بر آن قرار دادند، به جهت چوب و تخته درهای بزرگ متفکر و متحیر بماندند تا کسی راهنمایی کرد، سلیمان بن داود پیغمبر شهری ساخته بود و پنج دروازه آهنی جهت آنجا مترتب کردند و حجاج آن دروازه ها را برده به دروازه های شهر واسط نشانده، آنها را باید آورد. ابو جعفر گمان برده که بهتر از این تدبیر امکان ندارد و معنی از ریش پیوند سمیل همین است، و آدم فرستاده دروازه های شهر واسط را آورده در بغداد به پنج دروازه گذاشتند و نیز عرض کردند تیغ دری از آهن در نهایت عظمت و امتیاز ساخته به یکی از قلاع بسیار حصین در یمن نشانده، تالسی ندارد، آن را هم بسایدکنده آورد. آدمی مامور شده آن در

ایوان کسری / ۱۱۳

را هم به بغداد آوردند. پس بعد از فکرهای زیاد و خیالات چند، گفتند انوشیروان دری بسیار عالی و محکم بر قصر خود گذاشته، آن هم لایق بنای خلیفه هست. آدمی رفته و آن را هم آورد، کار گذاشتند. دیگر که از همه خرابیها و ویرانیها مأیوس شدند، باب هشتم را به آهنگران امر شد بسازند. از اتفاق مجموع آن دروازه ها در عرض و طول و ضخامت و استحکام با هم برابر شد، بیننده فرقی در میان نمی دید، ولی ابوابی که به سلیمان منسوب بود، هر یک در به وزن هزار من و باب تبع شش هزار من و یک در قصر انوشیروان چهار هزار من بودند و تمام با پیچ و مهره و چفت و بست، و گشوده می شدند و باب آهنی که در خود بغداد ساختند، به قدر دوهزار من بیرون آمد.

از جمله قراین که می توان درجه ترقی صنایع و علوم را دانست به چه پایه مایه ها بوده، این است که ابومطیع بلخی مردی حکیم و فاضل و جهان دیده بوده با علمای اعلام و فضیلتی اتام در آن زمان صحبتها داشته و از علوم عقلی و نقلی و تعبیدی و تقفلی باخبر بود و

تمتع ز هر گوشه ای یافته
ز هر خرمنی خوشه ای یافته

در مدتهای مدید در اقطاع و ارباع زمین گشته و هر گوشه جهان را سیر نموده و از اکثر جاها و کارها باخبر بوده تا در آن اوان که در بلخ ابوالعباس کوسه حاکم شده بود که نسبتش به ابواسمعیل سامانی می رسید. ابومطیع به اندیشه اینکه از علوم صنعتی کرده چیزی ترتیب دهد که نزد امیر برده، هم به وسیله آن هنر بدانجا تقریبی جوید و هم نامی گذاشته باشد. لاجرم سه دستگاه از چوب و غیره بساخت یکی از آنها که صورت آدمی بود و طبلی به گردن در جلو رو داشت و مرغی بالای سرش بود، هر ساعتی که از روز بر آمدی آن مرغ بال زدی و خواندی و آن آدم طبل زدی که صدا و صوتش بسیار دور رفتی و تمام مدت بیست و چهار قسمت شبانه روز را معین ساختی و کوشش به واسطه لنگری بوده که در خودش تعبیه کرده بود که دیده نمی شد.

مجمعه دیگر نیز آدمی بود طبلی داشت، چنان بود که هر کسی را که قولنج یا عشه و مفصل درد می بود، دست آن مجسمه را گرفت، او بشدت طبل نواختی و مریض را حرکت و جنبش سخت دادی، بعد از چند روز بتکرار بکلی رفع مرض او گردیدی، گویا چرخ الماس و الیکتر بسته چیزی بوده باشد.

این تحفه و صنایع را نزد امیر حکمران برده، چون او مردی خبیث و ممسک و متلون - المزاج ناقابل بود، چنانچه بخیل آل سامانش می گفتند و قارون آن قوم می شمردند، التفاتی بر آن زحمت و علم و صنعت ننموده اظهار کرده که امثال این صنایع و کارها را در سرکار ما نمی باید، چه ساختن این تصاویر در شرع از جمله محظورات است و از قبیل مخذورات.

Dokun RL

Homer - u Merdim

بهنام، عیسی. "طاق کسری". دوره 12، ش 136 و 137 (بهمن و اسفند 52): 8-12، تصویر.

خلاصه: تاریخچه شهر سلوکیه، ساختمان طاق کسری - چرابه تیسفون "مدائن" گفته‌اند، مراسمی که در این ایوان صورت می‌گرفته، مشخصات طاق کسری و تالارها و ایوان‌هایش.

طاق کسری

معماران ایران در دوران شاهنشاهی ساسانی با مصالح بسیار کم‌خرجی بنای عظیمی برپا کردند که هنوز خارج از کشور ما، در مکانی که چندین قرن پایتخت کشور ایران بود با وجود صدماتی که بر او وارد شده، مانند سردار سالخوردی که بر سینه‌اش مدال‌های افتخار متعدد آویزان است، غوغای رقت‌باری که بر ی کی از کهن‌ترین سرزمین‌های متمدن دنیا مستولی گشته نظاره میکند.

دکتر عیسی بهنام

طاق کسری که هنوز برجای باقی مانده فقط قسمت بسیار کوچکی از شهر بزرگ تیسفون است که پایتخت بزرگ ایران در دوران شاهنشاهی اشکانیان و ساسانیان بوده است. وقتی اعراب بر تیسفون دست پیدا کردند، پس از اینکه پرده جواهرنشان و قالی زربفت آنرا به عنوان غنیمت قطعه قطعه کرده میان سربازان قسمت کردند به مصالح ساختمانی آن نیز چشم دوختند. نخستین خلفای عباسی پس از اینکه قطعات بزرگ سنگ مرمری را که نمای خارجی بنا را میپوشاند برای برپا کردن کاخ‌های جدیدشان از آنجا به مکان‌های دیگری انتقال دادند، دستور دادند که از آجرهای آن نیز استفاده شود، ولی پس از چندی متوجه شدند که این کار خود شامل مخارج زیادی است و از آن منصرف گردیدند.

این مطلبی نیست که من از خود بگویم، بلکه تمام نویسندگان اوایل دوران اسلامی چه از ایرانیان، چه از خود اعراب، این مطلب را بارها ذکر کرده‌اند.

این مطلب نیز گفته شده است که خلیفه چهارم، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در همین مکان نماز گذارده‌است.

احتیاجی به این نیست که من در اینجا راجع به گفته‌های فوق مدارکی را ارائه دهم، زیرا این مطالب را بارها نویسندگان خاطرنشان کرده‌اند و همه از آن اطلاع کافی دارند.

خاقانی در قرن ششم هجری وقتی از مکه مراجعت میکرد از این مکان گذشت و قصیده معروفی ساخت که قرائت آن قلب هر ایرانی میهن‌دوستی را بلرزه درمیآورد و این قصیده با این ابیات شروع میشود:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظـرکن هان
ایوان مـداین را آیینـه عبـرت دان

پس از آن در حدود 50 سال پیش عشقی نمایشنامه‌ای راجع به طاق کسری نوشت و اجرا کرد که مدت‌ها روی صحنه‌های پایتخت نمایش داده میشد و شور و هیجان فوق‌العاده‌ای میان میهن‌پرستان بوجود آورده بود.

عربها تیسفون را مداین نامیدند، برای اینکه این شهر مرکب از هفت شهر بود که در یکی از آنها کاخ شاهنشاهی ایران قرار داشت که ایوان بزرگی برای «بار دادن» در روزهای «بار عام» در آن ساخته شده بود.

پیش از روز کار آمدن شاهنشاهان اشکانی سلوکی‌ها را در طرف راست رود دجله

مستند
R.K

دوشنبه ۱ تیر ۱۳۸۸ - ۱۶:۵۵:۴۱

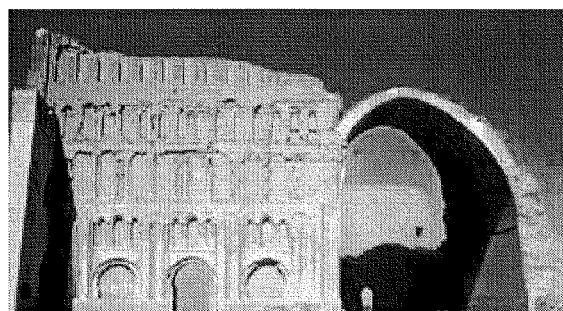


Friday, May 4, 2007

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶

ایوان مدائن (طاق کسری)

ایوان مدائن یا طاق کسری یا تیسفون واقع در شهر مدائن در کشور عراق از بناهای مهم شیوه پارتی است. مهمترین قسمت این کاخ، مدخل اصلی آن است.



ساسانیان خود را از اعقاب پارسی هامی دانستند و همواره به عظمت و اعتلای ایران و قدرت و اعتبار حکومت خود توجه داشتند. هر چند که به علت جنگهای متوالی که با رومیان همسایه غربی ایران داشتند قادر به احداث ساختمانها و کاخهای بزرگ مانند پارس ها نشدند، ولیکن سعی کردند که بناهای با ارزش را با استفاده از مصالح ساختمانی اطراف هر کاخ به وجود آورند که خوشبختانه بسیاری از این آثار در ایران کنونی باقی مانده است، اما تعدادی از آنها در کشورهای اطراف قرار گرفته اند.

از آنجا که دین رسمی کشور در زمان ساسانیان دین زرتشتی بوده لذا برای احترام خاصی قائل بودند و آن رامقدس می شمردند و برای نگهداری و نگهداری از آتش پرستشگاه یا جایگاه های مخصوص می ساختند، آتش مقدس در این پرستشگاه ها طبق سنت های مذهبی ساسانیان توسط کاهنان و پنهان از پرستش کنندگان عام حفاظت می شد که از آن آتش های دیگری می افروختند و خارج از پرستشگاه درون چهارطاقی های (۱) باز در معرض دید و پرستش عموم قرار می دادند.

اما به غیر از آتشکده های بسیاری که در آن زمان ساخته شده، چندین کاخ نیز به دست معماران ساسانی به وجود آمده اند، که از آن میان می توانیم از کاخ بستان، کاخ قلعه دختر، کاخ نیشابور، کاخ خسرو و نیز کاخ سروستان نام ببریم.

هنرمندان دوره ساسانی شیوه کار هنری زمان اشکانیان و مانوی راهم چنان پیش گرفتند. به دنبال جنگ اشکانیان با بیگانگان، ساسانیان هم حدوداً ۲۰۰ سال در جدال بودند. پیروزی های پی در پی، تحرکی پویا به وجود آورده بود. رابطه ی تجاری با همسایگان، وضع صنایع و هنر را برای دادوستد و دید هنری وسعت بخشید. به این ترتیب، هنر دوره ساسانی نسبت به گذشته تمایز ویژه ای پیدا کرد.

ایوان مدائن یا طاق کسری یا تیسفون واقع در شهر مدائن در کشور عراق از بناهای مهم شیوه پارتی است. متأسفانه این بنا تاکنون مرمت جدی نشده است.

مهمترین قسمت این کاخ، مدخل اصلی آن است که به شکل ایوانی عریض و مرتفع، رویه خارج ساخته شده بود و تالار مستطیل شکلی در پشت آن قرار داشته است. طاق بزرگ هلالی قسمت مرکزی رامی پوشاند. در طرفین بخش مرکزی که محور اصلی بنا را تشکیل می داد، راهروها، اتاقها و تالارها با پوشش گنبدی و گهواره ای قرار داشتند.

نور تالار اصلی به وسیله یکصد و پنجاه دریچه تأمین می شده است. طاق بزرگ ایوان مدائن بر روی دیواره های سرتاسری و بدون ستون بنا شده بود. قسمت جلویی هلالی بزرگ و بخشی از نمای اصلی کاخ هنوز با برجا است.

نمای بدون روزه کاخ تیسفون به چهار طبقه تقسیم شده و به وسیله طاقی ها و نیم ستونهایی در اطراف آنها تزئین شده بود. در ترکیب نمای

Edman RK

Huner u Mardum Jahan

بهنام، عیسی. "طاق کسری کی و چگونه ساخته شد". دوره 4، ش 45 و 46 (تیر و مرداد 45): ص 20-23، طرح.

خلاصه: شرحی بر ساختمانهای اشکانی، ستونهای سنتی کاخ آپادانا، معماری دوران خشایارشا، مصالح بکاررفته در معماری تخت جمشید، آرامگاههای پادشاهان هخامنشی، مزیت طاقهای قوسی شکل بر طاقهای مسطح.

طاق کسری کی و چگونه ساخته شد!

دکتر عیسی بهنام استاد دانشکده ادبیات

در شماره گذشته، کاخ تیسفون را به صورت اختصار معرفی نمودیم. در این گفتار کوشش خواهیم کرد موجبات فراهم شدن چنین بنای عظیم را که حتی در حال حاضر موجب اعجاب کسانی است که از کنار آن می‌گذرند روشن نمائیم.

بنایی که در آن زمان می‌توانست با طاق کسری مقایسه شود کاخ ایدنه داریوش در تخت جمشید بود. مقصود ما از آن زمان، دوران بعد از هخامنشی است زیرا عقیده داریم که طاق کسری در زمان اشکانیان برپا شده است. در واقع اشکانیان سازندگان فعالی بوده‌اند. امروز بسیاری از ساختمانهای اشکانی را به ساسانیان نسبت می‌دهند و سپس می‌گویند متأسفانه از اشکانیان بنایی باقی نمانده، در واقع این خلاف واقع است. همین طاق کسری متعلق به زمان اشکانیان است و ما آن را جزء افتخارات دوران ساسانی می‌دانیم.

مگر از یادمان رفته است که وقتی هنوز در کلاسهای ابتدایی تحصیل می‌کردیم وقتی به آن صفحه از کتاب تاریخ می‌رسیدیم که می‌گفت تراژدن امپراطور روم به تیسفون حمله کرد و تخت طلای اشکانیان را برد چه حالی به ما دست می‌داد.

البته چنین تختی از طلا در میان بیابان قرار نگرفته بود و بدون شك این تخت طلا در زیر بنای مجللی قرار داشت و این بنا همان است که فردوسی آن را به معمار رومی نسبت داده است. ما این مطلب را روشن خواهیم کرد که معمار طاق کسری قطعاً ایرانی است و طاق کسری را بنا بر سنت‌های ایرانی ساخته‌اند.

بنای دیگری را که به ساسانیان نسبت می‌دهند کاخ اردشیر در فیروزآباد است. این کاخ نیز در زمانی ساخته شده که اردشیر هنوز پادشاه نشده بود. بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان ساختمان ساسانی معرفی نمود.

در مغرب ایران بناهای متعدد از زمان اشکانیان موجود است. مانند کاخ الحضر و ابنیه «دورا اروپوس» در کنار فرات و کاخی که در روی ویرانه‌های شهر آشور ساخته شده و امروز «ماکتی» از آن نیز در موزه فردریک برلن موجود است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که تعداد ابنیه دوران اشکانی آن طور که ما تصور می‌کنیم کم نیست. به این ابنیه باید کاخی را که اخیراً دانشمندان شوروی در اشگ‌آباد (عشق‌آباد) از زیر خاک بیرون آورده‌اند اضافه نمود.

اکنون موقع آن است که ابنیه دوران بعد از هخامنشی (اشکانی - ساسانی) را با ساختمانهای دوران هخامنشی مقایسه نمائیم و جستجو کنیم به چه علت بلافاصله پس از سقوط حکومت هخامنشی سبک ساختمان تالارهای بزرگ ستون‌دار با سقف افقی به کلی متروک شد و به جای آن ساختمان‌های آجری با پوشش طاق‌های تخم‌مرغی